... که نماز واجب است بر هر بالغ و عاقل مگر زن حایض و نفسا

... از نماز ساقط است در این حالت و شرط است در صحیح بودن نماز اسلام

... جب بود از جهر اکه هر مسلمان و جمیع آدمیان ... نماز واجب است

... بالغ و عاقل صحیح است و بر طفل نابالغ ... مسلمان واجب است

موجود است ... بودیم اگر بدانند حقیقت ذاتش اسم اگر بشناسند چگونگی و ...

علیت
اگر غایت وجودش را و اینکه این وجود را در خالق نمیتوان دانست

و اما کنه ذات یا کنه صفات پس دانستن آنها از محالات است و طلب معرفت

ساقط است زیرا که خالق جل شانه علت همه چیز است و او را علت نیست و ...

نمیباشد که معلول علت باشد و علم آدمی باینکه خدا موجود است مستلزم آن نیست که

صفات را بدانند چنانچه علم بوجود نفس ناطقه مستلزم آن نیست که حقیقت

آنرا بدانند بلکه در تصدیق بوجود تصور بوجهی از وجوه کافیست و همچنین ...

را میدانیم که موجودند و حقیقتشان را نمیدانیم اگر گویند که از تصور علم باینچنان ...

او را که گویا بهیچ وجه معلوم نیست جواب میگوییم که از جهت معرفت کنه عینی ...

بکنه ذات و صفات او میسر نیست اما از جهت دیگر بجا از همه چیز نزدیکتر است ...

ما از همه چیز واضح تر است و بدلایل و براهین وجودش که از همه چیز هویدا تر است ...

او بیک جهت چنان واضح است که بر هیچکس مخفی نیست و بیک جهت چنان مخفی است که احدی را ...

معرفتش راه نیست و عقل نیز چنین است که بنواهد ظاهر است و بذات مستور است و اما ...

طبایع میگویند که طبیعت کار بی فایده نمیکند و سعی میکند هر چیز را بمنتهای کمال ...

موجود است … دوم اگر بدانند حقیقت ذاتش اسم اگر بشناسند چگونگی و ص…
اگر غایب وجودش را و (علت) یکی ازین وجوه را در خالق نمیتوان دانست
واما کنه ذات یا کنه صفات پس دانستن آنها از محالات است وطلب معرفت
ساقط است زیرا که خالق بی نشانه علت همه چیز است و او را علت نیست و …
میباشد که معلول علت باشد و علم آدمی با آنکه خدا موجود است مستلزم آن نیست که …
صفات را بدانند چنانچه علم بوجود نفس ناطقه مستلزم آن نیست که حقیقت
آنرا بدانند بلکه در تصدیق بوجود و تصور بوجهی از وجوه کافیست و همچنین … را
را میدانیم که موجودند و حقیقتشان را نمیدانیم اگر گویند که از تصور علم با چنین دانست
او را که گویا هیچ چه معلوم نیست جواب میگوییم که از جهت معرفت کنه چنین …
بلکه ذات و صفات او میسر نیست اما از جهت دیگر بجا از همه چیز نزدیکتر است و …
ما از همه چیز واضحتر است و بدلایل و براهین وجودش که از همه چیز هویداتر است …
او بیکجهت چنان واضح است که بر هیچکس مخفی نیست و بیکجهت چنان مخفیست که احدی را …
میسر نشده راه نیست و عقل نیز چنین است که بنواهد ظاهر است و بذات مستور است و اما انبیا
طبایع میگویند که صنعت کار بر این فایده نمیکند و سعی میکند هر چیز را بمنتهای کمال …

…ال چند مست عهد کرده و شرط شده و عهد و شرط است
…قضا کردن و راست ایستادن در حالت اختیار و نزدیک
…ن بسوی رحمت الهی و من بعد باید دانست که نماز یومیه
…ست بنحوی که در قرآن نازل که ویقیمون الصلوة و مجموع
…ر برین نحو عمل میکنند و سهل دانستن ترک نماز کافر است
…دا کردن نماز ثواب بسیار است و در خبر است از اهل بیت رسول الله

…از یک خانه پر از زر سرخ است که در راه حق تعالی تصدق
…آنکه داخل شود و در خبر است که بنده نزدیک نمیشود بسوی رحمت خدای
…کر شناختن خدای که او افضل تر است از نماز و من بعد
…که نماز واجب است بر هر بالغ و عاقل مگر زن حایض و نفسا
…از نماز ساقط است در آن حالت و شرط است در صحیح بودن نماز اسلام
…واجب بود زیرا که بر مسلمان و جمیع آدمیان و جمیع انسان نماز واجب است
…نماز بالغ و عاقل صحیح است و بر طفل نابالغ مسلمان واجب نیست

امّا صحیح نیست و واجب است بر کافر امّا در حالت کفر صحیح نیست
و واجب نیست و صحیح نیست از ولد کافر و واجب است پیش از
شناختن حق تعالی و آنچه صحیح است بر صفت حق سبحانه و تعالی هست
آن را صفات ثبوتیه میگویند قال الشاعر عالم و قادر و حی
مرید و مدرک با وجود ازلی ابدی صادق و آنچه بر صفت
ثابت نیست و از و منزه است هفت است که آن را سلبیه
قال الشاعر نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل بی شریک
نه جوهر نه مکان آن خالق پس شناختن ثبوتیه آنست که بر حضرت حق
ثابت است و سلبیه آنچه بر وی روا نبود و محال بود و عدل و حکمت
بشناسد و نبوت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه بشناسد و امامت
امامان را بداند و اقرار کردن بهر خبر که محمد صلی الله بخلقان آورده
از جانب حق تعالی بدلیل بداند که انکه فرا گیرد و علمای که کافی
برای این واجبات عقلیه دو طایفه اند یکی مجتهد و یکی مقلد
واجب است که از مجتهد فرا گیرد و نقل کند اگرچه بواسطه باشد یا

مباح بودن خاک یازدهم مباح بودن مکان دوازدهم کشیدن
هر دو دست بر پیشانی یکبار و مسح کردن تمام پشت دست
راست با شکم دست چپ و پشت دست چپ با شکم دست راست
در حال تیمم کردن و شک در تیمم مثل وضو و غسل عمل کند پس تیمم اگر برای
وضو بود یکبار دست بر خاک زند و اگر برای غسل جنابت باشد
دو بار و اگر برای غسل حیض و نفاس و استحاضه قلیله بود دیگر دو بار
تیمم کند یکی جهت غسل و دیگری برای وضو در حال دوم ثلاثه و مرده را
نیز سه تیمم باید داد و ترتیب غسل مرده چون ترتیب غسل جنابت باشد
و تا مبطل تیمم بهم نرسد نماز میتوان کرد اما میباید که تیمم در آخر وقت
... زایل کردن نجاسات است از جامه و بدن و آن ده چیز است
اول بول دوم غایط از هر حیوانی که گوشت او حرام بود و خون هر
حیوانی که نفس سائله داشته باشد مطلقاً یعنی اگر گوشت او
حلال است یا حرام و منی و مسکر و میت آدمی و سگ و خوک و کافر و خون
و فقاع و ازاله این نجاسات باب پاک میشود غیر از مقعد که بسنگ و کلوخ

سیم ستر عورت بر کسی که در خلوت خواهد شد عورت پوشیدن
و روی و پشت از قبله گردانیدن و مطهرات نیز ده است انچه یاد
کرده شد زمین و افتاب و آتش و استحاله یعنی از حالی بحالی شدن
چون کافر که مسلمان شود و انقلاب و انتقال و نقصان و غیبت
در حیوان بلکه کافی بود زایل کردن عین پلیدی در غیر آدمی
و عصر و واجب است در غیر آب بسیار مگر در بول کودک شیرخواره سه بار
واجب بود غسل میت بسدر و کافور و آب خالص بترتیب چون
غسل جنابت و یک نیت کافی بود اگر سدر و کافور نباشد سه بار باب
خالص بشوید و برای ولوغ سه بار بشوید نخست بخاک و برای
خوک هفت بار بشوید و غساله یعنی آبی که از محل مغسول [illegible]
شود بعد از ان محل پاک باشد و عفو کرده اند از خونی که باز نه
ایستد و خونی که کمتر از درهم بغلی باشد و از پلیدی جامهٔ زنی که تربیت
کودک میکند و یک جامه بیش ندارد و واجب بود او را شستن جامه
روزی یکبار و از پلیدی مطلقا وقتی که متعذر باشد ازاله آن

و از پلیدی

و از پلیدی چیزی که بان تنها نماز تمام نشود روا میشود بی جامه
[د]یگر پوشیدن عورتین قبل و دبر مردان را و زنان را همه تن پوشیدن مگر
[ر]وی و کفین و هر دو پشت پای و همچنین بود خنثی را موی پوشیدن
[ن]ماز را اولاست و پوشیدن گوش بروایتی و اما کنیزک محض را
[و]اجب نبود پوشیدن سر و شرط کرده اند در انچه عورت پوشد
[پ]نج چیز بود اول انکه پاک باشد الا انکه ذکر کرده شد دوم انکه پوست
[م]ردار نباشد اینی ابرست و سیم حیوان بود که گوشت او حلال
بود مگر خز خالص و سنجاب بود چهارم انکه مغصوب نباشد پنجم انکه
ابریشم محض نباشد مردان را و خنثی را در غیر حرب و غیر ضرورت
و باید که زر بر سبیل زینت نباشد مردان او خنثی را روا نبود
در چیزی که پشت پا را بپوشد مگر انکه او را ساقی باشد و اگرچه کوتاه
باشد و چهارم نگاه داشتن وقت نماز محل برای پنج نماز است
وقت نماز پیشین وقت زوالست که معلوم میشود بانک سایه
در جانب مشرق ظاهر شود و نماز دیگر آن وقت باشد که از ظهر

فارغ شود اگرچه فراغ تقدیری باشد و وقت نماز شام بر رفتن
سرخی مشرق بود و وقت عشا فارغ شدن از نماز شام بود و
تأخیر نماز خفتن تا غایب شدن سرخی مغرب فاضلتر بود و وقت
نماز صبح آن وقتست که صبح دوم پراکنده شود و وقت نماز پیشین
و نماز عصر تا وقتیست که نماز شام داخل شود و وقت نماز شام
و خفتن میکشد تا نیم شب و وقت نماز صبح تا برآمدن آفتابست
مقدمهٔ پنجم مکانست و شرط کرده اند درو دو چیز یکی آنکه
مغصوب نباشد و پاک باشد چنانکه نجاست مکان بمصلی
یا چیزی دیگر که با او باشد تعدی نکند دوم آنکه موضع سجده پاک
باشد و زمین باشد یا چیزی که از زمین بروید که در عادت آنرا
نخورند و نپوشند مقدمهٔ ششم قبله است و شرط کرده اند درو
دو چیز یکی روی آوردن بقبله اگر قبله را دانند و اگر نه اعتماد
کند بر علامات آن چنانکه ستارهٔ جدی را در پس دوش راست
کیرد و مغرب بر یمین و مشرق بر یسار اگر عراقی بود و قبالهٔ عراق

عکس

…کس این کند و ستارهٔ سهیل با شامی میان دو چشم دارد
…غایب شدن بنات نعش بر پس گوش راست و ستاره
…دی بر پس دوش چپ و یمنی بر عکس کند و اگر امارات
…ه راند اندر پرسد دوم آنکه چون این علامات راند اند
…علوم نداشته باشد یک نماز را بچهار جانب بگذارد و
…قت تنگ باشد از هر جانب که دلش قرار گیرد نماز بگذارد
…ن نصفه فرض شده است بر [illegible] حضر و سفر و اگرچه بعضی
…ست از بعضی چون تیمم پس شامل بودن سفر هم وقت
…را موجب آن باشد که رباعیات با دو آید بشرط آنکه قصد
…ت فرسخ کند و خفاء جدران و اذان شود و اگرچه تقدیری
…د و سفر معصیت نباشد و در میان مسافت جایی نباشد
…ک او باشد که شش ماه آقامت کرده باشد آنجا و ده روز قصد
…ت نکند و متردد نباشد تا سی روز و می باید که مسافر از آن
…نباشد و دایم السفر نباشد مگر آنکه ده روز جای آقامت کند

فصل دوم در مقارنات نماز و آن هشت است اول نیّت و
واجب است در وی هفت چیز اول قصد کردن بتعیین نماز و وجوب
و ادا و قضا و قربت و پیوسته داشتن نیّت بتکبیر احرام و مدام بر
حکم نیّت بودن تا آنکه از نماز فارغ شود و نیّت چنین کند که اُصلّی
فرض الظهر اداءً لوجوبه قربةً الی الله و اگر در میان نماز قصد بریدن
نماز کند یا فعلی کم از نماز نباشد باطل شود در یک قول و واجب نیّت
قص[illegible]
زیرا که کلامیست بعد از قامت که بآن احتیاج نیست دوم از
مقارنات نماز تکبیر احرامست و واجبست در وی یازده
چیز اول تلفظ کردن الله اکبر و صورت الله اکبر بدل گوید آنرا و بالله
اعظم باطل باشد دوم بعربی گفتن و اگر تکبیر بفارسی بگوید باطل باشد
سیم بپایی گفتن اگر فاصله کند باطل باشد چهارم پیوسته داشتن تکبیر
با نیّت که اگر میان تکبیر و نیّت فاصله کند باطل باشد پنجم مد نکشد میان
حروف ششم اگر مد کند همزه الله را چنانکه استفهام شود و

همچنین اگر در همزه اکبر مد کند [illegible] ترتیب نگاه دارد که اگر اکبر
[illegible] مقدم دارد باطل میشود [illegible] شنوانیدن تکبیر نفس خود را
[illegible] او تقدیرا [illegible] بیرون [illegible] وردن هر حرف از مخرج آن چنانکه
[illegible] باقی ذکرها [illegible] قطع کردن همزه از الله و از اکبر یازدهم
اگر همزه را وصل کند باطل باشد سیم از مقارنات نماز قراءتست و واجبات
آن شانزده است اول خواندن الحمد و سوره دیگر در نماز ثنائیه
و در دو رکعت اول عین از ثنائیه آن بر وجهی که منقولست بتواتر
که اگر بقراءت شاذه خواند باطل باشد دوم نگاه داشتن اعراب و تشدید
آن بر وجهی که منقولست بتواتر سیم نگاه داشتن ترتیب میان کلمات
آیات بر وجهی که متواتر است چهارم بپایی خواندن که اگر چیزی
بخواند یا بسیار خاموش شود باطل شود پنجم وقف در آخر کلمه کردن
در میان کلمه وقف کند باطل باشد و اگر بر بنیه کلمه وقف کند چنانکه
قراءتی نماند باطل باشد ششم بلند خواندن قراءت در نماز بامداد
و در دو رکعت اول از نماز شام و خفتن و آهسته خواندن در باقی

نماز و کمتر جهران باشد که کسی که صحیح السمع باشد و نزدیک او باشد بشنود
و اخفات آن باشد که خود بشنود اگر صحیح السمع باشد و اگر نباشد تقدیر
کند هفتم حمد پیش از سوره خواندن که اگر سوره را مقدم دارد نه بعمد
باطل باشد و اگر بفراموشی مقدم دارد حمد بخواند و سوره را از سر گیرد
هشتم بسم الله را در اول حمد و سوره بخواند که اگر عمداً ترک کند باطل شود
بقولی نهم آنکه بعد از حمد یک سوره بخواند و اگر عمداً دو سوره بخواند
باطل خواهد بود دهم حمد و سوره تمام کردن که اگر بعضی بخواند باطل است
یازدهم سوره که بعد از فاتحه بخواند از آن چهار سوره عزایم نباشد
و باید که سوره بخواند که نماز قضا نشود دوازدهم بعد از حمد بسم الله
بقصد سورت معینه گفتن مگر که سوره سوره را بر خود واجب کرده باشد
سیزدهم باید که از سوره بسورتهای دیگر نقل نکند اگر از نیمه گذشته
باشد یا سوره توحید و جحد باشند در غیر جمعتین مطلقاً چهاردهم
بیرون آوردن هر حرفی از مخرج آن حروف چنانکه منقولست
بتواتر که اگر بیرون آورد ضاد مغضوب و ضاد و لا الضالین را

از مخرج

دا از مخرج ظا یا لام مفخمه باطل شود پانزدهم بعربی خواندن قرائت
را که اگر بغیر عربی خواند باطل باشد شانزدهم ترک امین کردن در
آخر حمد مگر در محل تقیه و کافی هست در غیر دو رکعت اولین
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و باید که
بترتیب و بپایی و بعربی و آهسته خواند چهارم از مقارنات
نماز قیامست در این سه فعلی که گذشت که آن نیت تکبیر احرام
و قرائتست و در قیام چهار چیز واجب است اول راست ایستادن
که اگر پشت راست نکند باختیار باطل باشد دویم بخود ایستادن
که اگر اعتماد بر جای کند باطل باشد سیم آرام گرفتن پس اگر برود در حال
قرائت و تکبیر و نیت یا بر راحله باشد یا بر جایی که پای او قرار نگیرد
در حال اختیار باطل باشد چهارم هر دو پای نزدیک یکدیگر نهادن
که اگر پای از یکدیگر دور نهد چنانکه از حد قیام بیرون رود باطل باشد
و اگر از قیام عاجز شود به پشت بخوابد و اگر سبک شود و تواند برپای
خواستن برخیزد و اگر گرانی او را پیدا شود در حال قیام بنشیند و قرائت خواند

در حال انتقال از قیام بقعود پنجم از مقارنات نماز رکوعست

و در رکوع نه چیز واجبست اوّل پشت دوتا کردن چندانکه هر دو

کف دست بر سری زانو برسد و گذاشتن واجب نیست دوّم سبحان

ربي العظيم وبحمده گفتن یا سه بار سبحان الله مختار را و یکبار مضطر را

سیّم بعربی گفتن که اگر بفارسی گوید باطل باشد چهارم بیانی گوید

که اگر فاصله کند چنانکه خلاف عادت بود باطل باشد پنجم ارام گرفتن

به قدر ذکر که اگر شروع نکند پیش از انکه دست بر سر زانو نهد یا پیش

از اتمام ذکر برخیزد باطل باشد ولو تقدیرا ششم باز آمدن از رکوع

که اگر باز نیاید بسجده رود باطل باشد هشتم ارام گرفتن در حالی

که از رکوع باز آید و حد آن معیّن نیست بلکه اندکی کافی بود نهم

دراز نا کشیدن رکوع که اگر دراز کشد چنانکه از حدّ مصلّی بیرون

آید باطل باشد دهم از مقارنات نماز سجود است و واجبست

در او چهارده چیز اول سجده کردن بر هفت عضو پیشانی و هر دو

کف دست و هر دو سر زانو و هر دو انگشت مهین پای و جای دادن

اعضا

اعضا بر زمین که اگر اعضا را گرفته دارد باطل باشد و اگر همچنین سجده

کند بر جایی که متمکن نباشد و چون برف و پنبه و غیر آن سیّم نهادن

پیشانی بر جایی که سجده بر آن روا بود چهارم برابر بودن موضع

پیشانی و موضع پایها که اگر بقدر خشتی زیادت باشد باطلست

پنجم نهادن اعضا بر زمین از مقدار که آنرا وضع گویند که اگر کمتر از ان

باشد باطل باشد ششم سبحان ربي الاعلى وبحمده بگوید چنانکه در

رکوع گفته شد هفتم ارام گرفتن بقدر ذکر واجب که اگر پیش از وضع

جبهه و اعضای باقیه در تسبیح شروع کند یا پیش از اتمام ذکر اعضا

بر گیرد از زمین باشد باطل هشتم بعربی گفتن ذکر نهم بیانی گفتن دهم

شنوانیدن ذکر نفس خود را چنانکه گذشت یازدهم سر از سجده بر

داشتن و اگر چه اندک باشد اما بعد از سجده دوّم ارام گرفتن واجب

نباشد دوازدهم سیزدهم دراز نا کشیدن سجده چنانچه گذشت چهاردهم انکه دو

سجده کند که اگر یک سجده کند بعمد باطل باشد فامّا زیاده بر دو

جایز نباشد هفتم از مقارنات تشهد است و واجب او نه چیز است

این کتاب

مال قربان علی

اول نشستن برای تشهد دوم آرام گرفتن بقدر تشهد سیم
شهادتین چهارم صلوات بر محمد پنجم بر محمد و آل محمد ششم بعربی
گفتن هفتم ترتیب نگاه داشتن هشتم بپایی خواندن نهم
نگاه داشتن لفظ آن چنانکه نقل کرده اند که اگر بدل کند بمرادف
آن یا بیندازد واو عطف را یا لفظ اشهد را باطل شود و اگر وحده
لاشریک له یا لفظ عبده را بیندازد مضی نباشد دهم از مقارنات
سلام دادنست و واجب آن نه چیز است اول نشستن
برای سلام دوم آرامیدن بقدر سلام سیم یکی از دو لفظ گفتن که
السلام علینا و علی عباد الله الصالحین چهارم ترتیب نگاه
داشتن میان کلمات پنجم بعربی گفتن ششم بپایی گفتن هفتم رعایت
کردن لفظی گذشته که اگر لفظ را نکره کرداند که سلام علیکم یا رحمة الله
گوید یا برکاته گوید باطل باشد هشتم تاخیر سلام است بعد از تشهد و نیت
بیرون شدن واجب نیست و اگرچه احوط است نهم آنکه مقدم
دارد آن عبادت که فرض میداند و اگر تاخیر کند اورا روا

بنود

بنود و واجب بود در تشهد و سلام شنوانیدن نفس خود را
و اگرچه تقدیراً باشد این جمله که یاد کرده شد واجبات نماز است
پس اگر خواهند که بشمارند در رکعت اول شصت و یک چیز است
و در رکعت دوم چهل و چهار چیز است و در رکعت سیم
سی و نه چیز است و همچنین در رکعت چهارم و اگر به تسبیح اختیار
کند در رکعت سیم و چهارم هر یکی سی و دو باشد و در نماز ثنائیه
صد و بیست و سه چیز فرض است و ثلاثیه صد و هفتاد و یک چیز
و در رباعیه دویست و ده پس در پنج وقت نماز در حضر
نهصد و بیست و چهار چیز فرض است و در سفر ششصد و
شصت و سه چیز واجب بود و اگر عوض فاتحه تسبیح گوید ششصد و
هفتاد و پنج چیز بود در حضر و در سفر ششصد و پنجاه و شش
چیز مقارن است بنماز فصل سیم در آنچه منافی نماز است
و آن بیست و پنج است اول آنچه ناقض طهارت بود مطلقاً
و مبطلات طهارت چون طهارت کردن بآب غصبی و نجس یا مغصوب

بعد در آخر وقتی که عالم باشد دوم پشت بقبله کردن مطلقا یا از
راست و چپ قبله کردن و وقت باقی باشد سیم فعل بسیار
کردن مطلقا که آن را بعبارت فعل بسیار گویند چهارم خاموش
شدن بسیار بعبارت پنجم ضبط ناکردن عدد رکعات نماز
ششم در دو رکعت اول رباعی یا در نماز بامداد یا در نماز
شام شك کردن هفتم کم کردن رکنی از ارکان نماز که آن نیت
و تکبیر و رکوع و قیام و دو سجده هست یا زیاده کردن رکعتی که بعد از
فعل منافی بیاد بش آید هشتم زیاده کردن رکعتی و در آخر رابع نشستن
نهم یاد ناداشتن دو رکعت اول یازدهم نماز کردن پیش
از وقت دوازدهم نماز کردن در جای پلید یا جامه پلید یا مغصوب
در هر دو چون پیشتر دانسته باشد یا آنکه تن پلید باشد سیزدهم
منافی نماز بود قضای حق آدمی مضیق در قولی چهاردهم بالغ شدن
در نماز چون از وقت قدر طهارت و یک رکعت مانده باشد
این جمله منافی نماز هست و اگرچه بسهو باشد پانزدهم بعمد دست

بستن

دست بستن در نماز بی ضرورت شانزدهم سخن گفتن بعمد
بدو حرف که قرآن و دعا نباشد و سلام نیز این جمله است هفدهم
بعمد خوردن و آشامیدن مگر در نماز وتر که خواهد روزه روز داشتن
هجدهم بعمد خنده قهقهه کردن نوزدهم بعمد گریستن برای امور
دنیا بیستم بعمد ترک واجبی کردن از واجبات مگر جهر و سر که در آن
معذور باشد بیست یکم بعمد روی از قبله گردانیدن بیست دوم
بعمد واجبی از واجبات زیاده کردن بیست سیم بعمد گره بستن
موی پیشانی مرد را که از سجده مانع باشد بیست چهارم بعمد هر دو دست
برهم نهادن در میان هر دو زانو در حال رکوع و آن را تطبیق
خوانند در این هر دو معنی تطبیق و عقص شعر خلافست بیست پنجم
آشکارا کردن عورت در قولی بعضی گفته اند که مطلقا باطل است
و اگر در خلوت بود پس آنچه تعلق به پنج نماز دارد ده هزار و نه چیز باشد
و واجب نیست شمردن آن بلکه واجب است دانستن اما آنچه خاتمه است
درود و بحث است اول خللی که واقع میشود در نماز و آن را اقسام است

اول آنچه نماز را باطل کند و آن گذشته است دوم آنچه چیزی واجب نکند
و آن فراموش کردن غیر رکن است از واجبات که یادش نیاید
تا از محل آن در گذرد چون فراموش کردن قرائت یا بعضی از قرائت
یا صفات آن یا واجبات آنچنانکه در رکوع یا سر برداشتن یا آرامیدن
در او یا واجبات الجبات الجنان در سجود یا سر برداشتن از او یا آرامیدن
در او و همچنین زیاده کردن آنچه رکن نباشد بسهو و سهو کثیر و سهو امام
یا آنکه ماموم نگاه یا عکس آن یا ظن بر جانبی غالب باشد سیم آنکه تلافی واجب
کند یعنی بجای آوردن هم در نماز یکی سجده سهو و آن آنست فعلی ترک کند و
هنوز محل در نگذشته باشد بیادش آید چون فراموش کردن حمد و هنوز
رکوع نکرده باشد یا رکوع را فراموش کند و هنوز بسجود نرفته بیادش آید
و یا سجده فراموش کند و هنوز در رکعتی دیگر رکوع نکرده باشد بیادش
آید تشهد نیز چنین باشد چهارم آنکه تلافی واجب بود یا سجده سهو
و آن فراموش کردن یک سجده است یا تشهد یا صلوات بر نبی
و آل او که از محل بگذرد آنچه فراموش کرده باشد بعد از نماز بجای آورد

و سجده

و سجده سهو کند چنین نیت باید کرد که اسجد السجدة المنسیة فی فرض کذا
اداء و قضاء لوجوبه قربة الی الله و واجب بود در این دو سجده
سهو آنچه در سجده نماز واجب است و ذکر او اینست بسم الله و بالله
و صلی الله علی محمد و آل محمد پس تشهد بخواند و سلام دهد و این دو سجده
نیز واجب بود برای سلام دادن در غیر محل بفراموشی و همچنین
سخن گفتن بفراموشی در نماز و شک کردن در نماز میان چهار
و پنج و برای قیام در موضع قعود و بعکس و احوط آنست که
سجده سهو برای هر زیادتی و نقصانی که رکن نباشد و بر سبیل نسیان
باشد واجب شود و این دو سجده در وقت نماز یا بیش از گفتن
بود و اگر چه اولی است و نیز واجب نبود در نیت سجده سهو ادا
یا قضا گفتن اگر چه اولی است اما در اجزاء منسیه نماز واجب بود
اما طهارت و استقبال قبله و ستر عورت در همه شرط است پنجم
آنچه احتیاط واجب کند در نمازی که چهار رکعت بود و آن بود نماز
جایگاه است [illegible] شک کردن میان دو رکعت و سه رکعت

بعد از دو سجده [illegible] شک میان سه و چهار مطلقاً و درین صورت بنا
بر بیشتر نهد و نماز کند و سلام دهد و بعد از ان دو رکعت نشسته بگذارد
یا یک رکعت ایستاده سیم شک میان دو و چهار بعد از سجده تین بنا بر
چهار گذارد و دو رکعت ایستاده بگذارد چهارم شک میان دو و سه
و چهار بعد از سجده تین بنا بر چهار بگذارد و دو رکعت ایستاده و دو رکعت
نشسته بگذارد پنجم شک میان دو و پنج بعد از سجده تین ششم شک
میان سه و پنج بعد از سجده تین هفتم شک میان دو و سه و پنج بعد از
سجده تین هشتم شک میان دو چهار و پنج بعد از سجده تین درین
چهار صورت احتمال دارد که بنا بر کمتر کند در همه زیرا که یقین است
و احتمال دارد که نماز از سر گیرد و در صورت هشتم بنا بر چهار گذارد
و دو رکعت ایستاده بگذارد و دو سجده سهو کند نهم شک میان دو و سه
و چهار و پنج بعد از سجده تین و حکم او در احتیاط حکم صورت هشتم دارد
مگر آنکه دو رکعت نشسته زیاده شود در احتیاط دهم شک میان چهار
و پنج بعد از سجده تین موجب دو سجده سهو است چنانکه گذشت و پیش از

رکوع

رکوع در و قولی هست که باطل است و اصح الحاق اوست باول پس واجب
باشد اتمام و دو سجده سهو یازدهم شک میان سه و چهار و پنج و درین
دو صورت احتمال آن دارد که بنا بران کمتر گذارد و احتمال دارد
که بنا بر چهار نهد و یک نماز ایستاده بگذارد دوازدهم آنکه شک تعلق
گیرد بر رکعت ششم پس احتمال بطلان دارد و احتمال آن دارد
که بنا بر کمتر گذارد و احتمال دارد که بگردانند حکم او را همچون حکم شکی
که تعلق گیرد بر رکعت پنجم و لابد باشد در نماز احتیاط نیت و همچنین نیت
کند که اصلّی رکعةً احتیاطاً او رکعتین فی الفرض المعیّن اداءً او قضاءً
لوجوبه قربةً الی الله و تکبیر بگوید و حمد تنها بخواند و آهسته و تسبیح عوض
حمد نخواند و هر چه در نماز واجب بود در نماز احتیاط نیز واجب بود
و اگر بعد از نماز پیشین شروع در نماز احتیاط کند و فعلی که منافی نماز است
از مصلّی واقع شود آن را اعتباری نباشد و همچنین بیرون رفتن وقت را
بلی نیت کند قضا چون بیرون رفته باشد و اگر در نماز احتیاط یا بعد از ان
بیادش آید که نماز تمام نبوده التفات نکند و گفته اند که در میان احتیاط

بیادش اید که نقصان بوده است نماز را از سر گیرد و اگر بیادش اید که
نماز تمام بوده مخیر هست در قطع و اتمام **بحث دوم** در آنچه خاص است
بباقی نمازها نسبت بنماز شبانه روزی نماز جمعه خاص بود بده
چیز **اول** بیرون شدن وقت بگردیدن سایه مثل او **دوم** انکه در شروع کردن
اگرچه بتکبیر باشد پیش از فوات **سیم** سنت بود در و قرأت بلند
خواندن **چهارم** مقدم داشتن خطبه بر نماز **پنجم** کافی بودن نماز
جمعه از نماز پیشین **ششم** واجب بودن جماعت در او **هفتم**
شروط بودن این نماز بامام یا کسی که امام نصب کرده باشد **هشتم**
موقوف بودن این نماز بر پنج کس که یکی از ایشان امام باشند
نهم ساقط شدن این نماز از زن و کور و بنده و مسافر و کسی که
دورتر از دو فرسنگ باشد **دهم** انکه دو جمعه نباشد در کمتر از یک فرسنگ
اما نماز عید خاص بود بسه چیز **اول** وقت ان از طلوع افتاب
بود تا زوال **دوم** پنج تکبیر در رکعت اول بعد از قرائت و چهار
تکبیر در رکعت دوم بعد از قرأت و قنوت خواندن میان هر دو تکبیر

تکبیر سیم


سیم خطبه خواندن بعد از نماز واجب بود و این نماز بر کسی
واجبست که نماز جمعه واجب بود و هر کس که نماز جمعه بر او واجب
نبود نماز عیدین نیز واجب نبود و شرط وجوب جمعه و وجوب عیدین
واجب نبود و یکی است اما نماز آیات یعنی گرفتن ماه و افتاب
و زلزله و هر بادی که سیاه یا زرد که مخوف باشد و خاص بود این
نماز بچهار چیز **اول** انکه در هر رکعتی پنج رکوع باشد **دوم** انکه میان
هر دو رکوع که سوره   تا تمام کرده باشد حمد از سر گیرد **سیم** انکه
روا بود که یک سوره   را پنج قسم کند و بعضی از سوره بخواند
و در رکوع پنجم و دهم سوره   را تمام کند **چهارم** بنا بر کمتر نهادن
اگر در عدد رکوعها شک کند و وقت نماز حصول این اسباب باشد   لعد
اول اما نماز طواف خاص میشود بدو چیز **اول** کردن او بمقام
ابراهیم علیه السلام یا در پس او یا در جانب او از راست یا از جانب
چپ ان مگر ضرورت باشد **دوم** انکه بعد از طواف باشد و پیش
از سعی اگر واجب باشد سعی و اما نماز میت خاص میشود به چیز

اول انکه در او چهار تکبیر واجب بود بغیر تکبیر احرام دویم واجب بود درو
شهادتان عقیب تکبیر اول صلوتین بعد از تکبیر دوم و دعا کردن مومنان
را بعد از تکبیر سیم و دعا کردن بر مرده از تکبیر چهارم سیم انکه در و
رکوع و سجود و تشهد و سلام نیست و طهارت شرط نیست اما نماز
نذر واجب باشد بحسب نذر پس هرگاه که نذر کند هیئته را که مشروع
باشد منعقد شود و واجب شود وفا کردن بان و اگر زمانی را
معین کرده باشد برای نماز نذر و اخلال کند قضا واجب و کفاره
و عهد و سوکند نیز در شبه نذر داخلست و نماز احتیاط و تحمل
از نذر و مناجی براو و قضا زیرا که قضا عین آنست که فوت
شده است بلکه فعلیست مثل ان و واجبست در نماز قضا مراعات
ترتیب چنانچه فوت شده است ~~انکه میان هر دو رکوع که سورت~~
~~تمام کرده باشد حمد از سر گیرد~~ انکه و نگاه داشتن عدد در تمام
گذاردن و تقصیر مکر انکه مراعات هیئته چون هیئته خوف و هر چند تقصیر
واجبست لیکن اگر گذاردن نماز عاجز شود باشارت نماز گذارد

و ساقط شود اشارت اگر متعذر شود و اکتفا کند از هر رکعت بتسبیحات اربعه و واجب دو نیت و تکبیر و تشهد و لکن واعتبار در هیئته بوقت فعل باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

و ساقط شود اشارت اگر متعذر شود و اکتفا کند از هر رکعت بتسبیحات
اربعه و واجب در و نیت و تکبیر و تشهد و تسلیم و اعتبار در هیئت
بوقت فعل باشد اگر ادا و اگر قضا و همچنین است در شروط نماز یعنی قضا
کند فاقد شروط مگر فاقد طهارت که چون برای وضو و غسل و تیمم آب و خاک
نیابد قضا واجب باشد و بیماری که بر قیام و اضطجاع قادر نباشد رکوع
او آن باشد که با چشم برهم نهد برای سر بر داشتن از رکوع و سجود و برای چشم باز کند و برای سجود چشم
بیشتر برهم نهد و اگر نماز در حال صحت فوت شده باشد و در مرض
بگذارد جایز بود و بدیگر واجبست نماز قضا کردن بر کسی که در وقت
بلوغ ترک کرده باشد و در وقتی که عاقل بوده باشد و مسلمان و زن که
حایض و نفاس پاک بوده باشد و کسی که آب و خاک نیابد اولی آنست که نماز قضا کند
و اگر نماز از و فوت شده و عدد آن نداند میگذارد تا ظن ناطق او غالب
شود که تمام شده است قضا کند مرتد و سکران و کسی که چیزی بیهوش کننده بخورد
قضای آن مدت را و اگر یکنماز فریضه از کسی فوت شود و نداند قضا کند صبح و مغرب
و چهار رکعت مطلق و مسافر دو رکعت مطلق و مغرب قضا کند و مشتبه دو



رکعت مطلق و چهار رکعت مطلق و مغرب قضا کند و اگر دو نماز باشد قضا کند
صبح و مغرب و چهار رکعت مطلق دو بار و مسافر دو ثنائی میان آن بگذارد
و مشتبه زیاده کند بر حاضر یک ثنائیه دیگر و اگر سه نماز باشد قضا کند حاضر
پنج نماز و مسافر دو ثنائی پس مغرب پس دیگر مشتبه زیاده کند سه چهار رکعتی بگذارد
اول خفتن و بعد از آن دو ثنائیه و بعد از آن ظهر و بعد از آن دو ثنائیه و بعد از آن
عصر و بعد از آن مغرب و بعد از آن یک ثنائیه بگذارد بر حاضر دو ثنائیه یعنی
از مغرب و ثنائیه بعد از آن و اگر چهار نماز باشد قضا کند حاضر و مسافر پنج
نماز را و مشتبه زیاده کند بر حاضر دو ثنائیه یعنی از مغرب و ثنائی بعد از آن
در فرضت که در نیت نماز تعیین و اگر پنج نماز از وقت مشتبه باشد دو روز
هشت نماز بگذارد و نماز جمعه و عیدین و نماز آیات کسی که عالم نباشد
بآن مادامی که قرص آفتاب و ماه تمام نگرفته باشد قضا نیست و قضا کند
اگر تمام قرص گرفته باشد و ادا معلوم باشد و اگر نام قضا بر نماز طواف و جنازه
و نذر مطلق نهد مراد از آن تدارک است نه قضا از آن جهت که در خارج وقت
نیست و ادا نیز از وقت معین نیست والله اعلم تمت الرساله [illegible]
ماه ذی حجه سنه ۱۱۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

بسم الله الرحمن الرحیم

رخصتنامه نوع پرستانه ملله مشتاقم متیقم الی سلامت

بعد از رفع اشتیاق منهی بیان که تشریف بوده باشد که در نوشت

نتوانستم بخدمت بیایم عمو بوده لم بخدمت رسیده

که پنج کمر کنیا کی جهت انجیب فرستاده شود

زیاده نرفت

رکعت مطلق و چهار رکعت مطلق و مغرب قضا کند و اگر دو نماز باشد قضا کند

صبح و مغرب و چهار رکعت مطلق دو بار و مسافر دو ثنائی میان آن بگذارد

و مشتبه زیاده کند بر حاضر یک ثنائیه دیگر و اگر سه نماز باشد قضا کند حاضر

پنج نماز و مسافر دو ثنائی پس مغرب پس دیگر مشتبه زیاده کند سه چهار رکعتی بگذارد

اول خفتن و بعد از آن دو ثنائیه و بعد از آن ظهر و بعد از آن دو ثنائیه و بعد از آن

عصر و بعد از آن مغرب و بعد از آن یک ثنائیه بگذارد و بر حاضر دو ثنائیه یعنی

از مغرب و ثنائیه بعد از آن و اگر چهار نماز باشد قضا کند حاضر و مسافر پنج

نماز را و مشتبه زیاده کند بر حاضر دو ثنائیه یعنی از مغرب ثنائی بعد از آن

دو فرضیت که در نماز تعیین بینت و اگر پنج نماز از وی فوت و مشتبه باشد دور روز

هشت نماز بگذارد و نماز جمعه و عیدین و نماز آیات کسی که عالم نباشد

بآن ما دامی که قرص آفتاب و ماه تمام نگرفته باشد قضا نیست و قضا کند

اگر تمام قرص گرفته باشد و او را معلوم باشد و اگر نام قضا بر نماز طواف و جنازه

و نذر مطلق نهد مراد از آن تدارکست نه قضا از آن جهت که در خارج وقت

نیست ذات نزاد وقت معین نیست والله اعلم تمت الرساله الشریف المسمی بالکلمات

حاوی العددی محرم سنه ۱۱۱۲